



Religious Hate Crimes in the U.S. Penal System

Mohammad Reza Nowjavan¹, Jamal Beigi^{*2}, Babak Pourghahramani³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 97-107

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-2379-2309

TELL: +989143210827

Email: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

Article history:

Received: 19 Dec 2022

Revised: 12 Jan 2023

Accepted: 24 Jan 2023

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Religious Hate Crime,
Islamophobia, United States.

ABSTRACT

Islamophobia refers to fear, hatred or discrimination against the religion of Islam or Muslims, especially when viewed as a geopolitical force or source of terrorism. Many scholars see Islamophobia as a form of xenophobia or racism. The question we are looking for in this article is whether Islamophobia can be placed under the category of hate crimes. The findings of this research, which were conducted by descriptive-analytical method and by collecting information from library sources, indicate that Islamophobia is equivalent to racism and in other words, in the United States we are faced with a race called Muslim regardless of other components related to race. To combat this view, a regulation has been adopted to counter religious hate behavior.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Nowjavan, MR; Beigi, J & Pourghahramani, B (2023). "Religious Hate Crimes in the U.S. Penal System". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 97-107.



دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

جرم مبتنی بر نفرت دینی در نظام کیفری آمریکا

محمدرضا نوجوان^۱، جمال بیگی^{۲*}، بابک پورقهرمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.
۲. دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

چکیده

اسلام‌هراسی یا اسلام‌ستیزی، به ترس، نفرت یا تبعیض علیه دین اسلام یا مسلمانان گفته می‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که به‌عنوان یک نیروی ژئوپلیتیک یا منبع تروریسم تلقی می‌شود. بسیاری از محققان، اسلام‌هراسی را نوعی بیگانه‌هراسی یا نژادپرستی می‌دانند. سؤالی که در این مقاله به دنبال پاسخ آن‌ها هستیم این است که آیا می‌توان اسلام‌هراسی را در زیر مجموعه جرایم مبتنی بر نفرت قرار داد؟ یافته‌های این تحقیق که از روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، مشخص می‌کند که اسلام‌هراسی، معادل نژادپرستی قرار گرفته و به عبارتی، در ایالات متحده با نژادی به نام مسلمان صرف‌نظر از سایر مؤلفه‌های مربوط به نژاد مواجه هستیم. در این کشور جهت مبارزه با این دیدگاه، مقرراتی درخصوص مقابله با رفتارهای مبتنی بر نفرت دینی تصویب شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۷-۱۰۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۲۳۰۹-۲۳۷۹-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۴۳۲۱۰۸۲۷

ایمیل: jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

جرم نفرت دینی، اسلام‌هراسی، آمریکا.



مقدمه

- طرح موضوع

این مقاله به بررسی نژاد پرستی نسبت به اسلام و مسلمانان به عنوان مصداقی از جرایم مبتنی بر نفرت در ایالات متحده می‌پردازد. تنفر ناشی از تعصب و طرفداری تقریباً به‌طور قطع یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها برای اعمال جنایتکارانه در طول تاریخ بشر بوده است (Yin, 1994: 22). در ایالات متحده آمریکا، نمونه‌های قابل توجه، خشونت، ارباب و تبعیض، مثله کردن سیاه‌پوستان در جنوب و سایر اشکال بدرفتاری جنایتکارانه نسبت به افراد به‌دلیل رنگ پوست، زبان یا ویژگی‌های دیگر است. همچنین بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسلمانان و اعراب هدف خشونت و تنفر گسترده قرار گرفته‌اند. در این میان با وجود انتقام‌های خصوصی ناشی از نفرت توسط مردم، دولت آمریکا نیز مسلمانان و اعراب را از لحاظ روانی و فیزیکی با عنوان جنگ با تروریسم تحت فشار قرار می‌داد.

اصطلاح اسلام‌هراسی که امروزه به‌عنوان شکل خاصی از جرایم مبتنی بر نفرت شناخته می‌شود یک عبارت پذیرفته شده در بین کشورها است. اگرچه در رسانه‌های بین‌المللی این عبارت به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما هنوز دقیق معنای اسلام‌هراسی روشن نیست یا آن‌طور که دیگران ادعا می‌کنند واضح نیست. (Richardson, 2016: 3) اسلام‌هراسی، منجر به تصویب قوانینی شده است که مسلمانان را به‌طور نهادی مورد تحقیر یا هدف قرار دهند. تا به امروز، حداقل ۳۲ ایالت در سراسر ایالات متحده، لوایح ضد دین را مطرح و مورد بحث قرار داده‌اند. جنبش حمایت از مسلمانان در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، زمانی که ۷۸ لایحه یا اصلاحیه برای تحقیر دین اسلام طراحی شد، به اوج خود رسید (Rifai, 2016: 55).

۷۳ مورد از این لایحه‌ها توسط جمهوری خواهان ارائه شد، در حالی که تنها یک طرح توسط یک دموکرات از آلاباما ارائه شد. در مجموع، تنها سه لایحه ضد شریعت در سطح ایالت دو حزبی بود (کانزاس، کارولینای جنوبی و شمالی). همچنین اسلام‌هراسی نیز توسط صنعت سرگرمی و فیلم تشدید

می‌شود. در سال ۲۰۱۱، یک سازمان تحقیقاتی و حمایت از سیاست عمومی مستقر در واشنگتن دی سی، دریافت که هفت بنیاد خیریه بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۹ ۴۲۶ میلیون دلار برای حمایت از گسترش شعارهای ضد اسلامی و ضد اسلام در ایالات متحده هزینه کرده‌اند (Ali, 2011: 1). علاوه بر فعالیت‌های گروه‌ها و سازمان‌های ضد مسلمان، نمایندگی‌های رسانه‌ای و سرگرمی از عوامل کلیدی در افزایش اسلام‌هراسی در سراسر ایالات متحده هستند.

علیرغم تمام مطالب پیش‌گفته، نظام کیفری آمریکا سیاست جنایی تقنینی دوگانه را در مورد جرایم مبتنی بر نفرت نسبت به مسلمانان به‌کار برده است؛ به‌نحوی که پیشتر گفته شد قوانینی بر ضدیت با اسلام و مسلمانان وجود دارد و در طرف مقابل در دیگر قوانین، جرایم مبتنی بر نفرت نسبت به مذاهب جرم‌انگاری شده است. در قوانین مختلفی همچون، قانون کنترل جرایم خشونت‌آمیز (۱۹۹۴) و ماده ۲۴۹ از بخش ۱۸ قانون جزای فدرال (اصلاحی ۲۰۲۲) ارتکاب جرم به‌دلیل ویژگی خاص قربانی همچون مذهب، جرم‌انگاری شده است.

- پیشینه تحقیق

درخصوص اسلام‌هراسی کتب و مقالات بسیاری انجام گرفته است که از جمله آن به مواردی اشاره می‌شود: مهدی شفیق (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان اسلام‌هراسی و تبلیغات فرهنگی غرب در رسانه‌ها به نقش تبلیغات رسانه‌ای در افزایش اسلام‌هراسی پرداخته است و بیان می‌کند که دستگاه تبلیغات، آمریکا برای سلطه، اقتصادی نظامی و سیاسی بر جهان به‌ویژه نفوذ در کشورهای اسلامی هیچ‌گونه مرز اخلاقی و حقوق بشری را نمی‌شناسد لذا رسانه‌های آمریکایی و غربی بدون وقفه در صدد محو فرهنگ اسلامی در تمام کشورهای جهان است. هادی رضازاده (۱۳۹۵) در مقاله با نام حملات تروریستی و اسلام‌هراسی در فضای مجازی عنوان می‌دارد که تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که ایجاد، شدت و میزان حملات اسلام‌هراسانه در کوتاه مدت، با وقوع یک یا مجموعه‌ای از حوادث در ارتباط هستند. محققان به‌طور ویژه حوادث تروریستی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکل‌گیری احساسات اسلام‌هراسانه و وقوع تنش و ایجاد

فوق درخصوص ابعاد حقوقی موضوع ورود نکرده‌اند که اتفاقاً همین امر وجهه نوآوری این مقاله محسوب می‌شود.

- روش‌شناسی تحقیق

در ابتدا لازم است روش انجام تحقیق بررسی شود. نویسندگان در گزینش طرح تحقیق مناسب، چندین ابزار روش‌شناختی را به کار گرفته‌اند زیرا مرزهای بین پدیده «اسلام‌هراسی» و «مذهب» به‌وضوح مشهود و آشکار نیست؛ بنابراین باید از منابع متعدد استفاده شود. بررسی و کدگذاری اخبار رسانه‌های خبری و فضای مجازی یکی از منابع است. کدگذاری در تحقیق کیفی اغلب برای شناسایی کلمات یا عبارات کوتاهی استفاده می‌شود که به‌طور نمادین، یک ویژگی خلاصه، برجسته، ذاتی و یا برانگیزاننده را برای بخشی از داده‌های زبان‌محور یا بصری اختصاص می‌دهد (Saldana, 2002: 9). فرآیند کدگذاری این تحقیق مستلزم این است که انتخاب نمونه از پوشش رسانه‌های خبری مرتبط و یافتن ارتباط آن با نژادپرستی نسبت به اسلام در ایالات متحده بررسی شود. برای بررسی مقالات مرتبط نیز گزینش برخی از مقالات، مستلزم تمرکز بر بررسی و استفاده عملی از نظر دو ملاک «مذهب» و «دسته‌بندی‌های مذهبی» خواهد بود. از نظر تکنیک نمونه‌گزینی (انتخاب نمونه)، این پژوهش را می‌توان نمونه‌گزینی هدفمند توصیف کرد.

نمونه‌گزینی هدفمند به‌طور گسترده در تحقیقات کیفی جهت استفاده مؤثرتر از منابع محدود برای شناسایی و گزینش موارد غنی از اطلاعات استفاده می‌شود (Patton, 2002: 34). از آنجاکه طرح‌های نمونه‌گزینی هدفمند گوناگونی وجود دارد، نویسندگان، تکنیک معیاری را گزینش کرده‌اند که مواردی را که برخی از معیارهای اعتبار از پیش تعیین‌شده را برآورده می‌کنند، شناسایی و گزینش می‌کند. در پرتو این تحقیق، معیار اعتبار عبارت است از: نژاد، نژادپرستی، جرم مبتنی بر نفرت (جرایم نژادپرستانه)، دسته‌بندی‌های نژادی، مسلمانان و اسلام‌هراسی.

با استفاده از جستجوی کلمات کلیدی، «نظام نژادی مسلمانان در ایالات متحده» و «جرایم ناشی از نفرت علیه مسلمانان در ایالات متحده»، وب سایت‌های خبری برای

فضای مناسب برای گسترش عقاید خصومت‌آمیز و شکل‌گیری سلسله‌ای از اقدامات خشونت بار قلمداد می‌کنند. این اقدامات، نسبت به گروه‌هایی صورت می‌گیرند که در ظاهر عقاید مشابهی با تروریست‌ها دارند. بهنام دارابی (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان جرایم ناشی از نفرت مذهبی، در راستای بررسی این جرایم عنوان می‌کند که «جرم ناشی از نفرت» مفهومی اجتماعی است که در اوایل دهه ۹۰ میلادی به‌کار برده شد و مصادیق فراوان در کشورهای مختلف یافته است. این مفهوم آن دسته از جرایمی را شامل می‌شود که براساس نفرت موجود نسبت به دسته‌ای از افراد جامعه، بنابر اختلافی ایدئولوژیک یا طبیعی با قربانی از سوی مجرم رخ می‌دهد. با این حال، این اصطلاح در ادبیات حقوقی ایران واژه‌ای بیگانه است. حسین آقا بابایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با نام نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی حق حیات را به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر از منظر دو دیدگاه جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی بررسی و در بیان رابطه افراط‌گرایی مذهبی با نسبی‌گرایی حقوق بشر، این فرضیه را پیگیری نموده است که افراط‌گرایی مذهبی و توسل به خشونت به نام دین به‌ویژه کشتن پیروان ادیان دیگر با تمسک به دین، صر نظر از اینکه پایه و اساس دینی نداشته، اگر بخواهد به برداشت و توجیه دینی نسبت داده شود، به گونه‌ای با نسبی‌گرایی در بحث حقوق بشر مرتبط است.

خالد بیدون (۲۰۱۹) در کتاب خود با عنوان اسلام‌هراسی آمریکایی به نقش این کشور در گسترش اسلام‌هراسی پرداخته و عنوان می‌کند که ریشه این موضوع در عقاید شرق‌شناسی نوین آمریکا است که از سال ۱۹۴۴ وجود داشته و در زمان ریاست جمهوری ترامپ با تصویب قانون منع ورود اتباع کشور مسلمان به اوج خود رسیده است. ایمران آوان (۲۰۱۶) در کتاب خود اسلام‌هراسی در فضای مجازی به این موضوع اشاره می‌کند که در رسانه‌های اجتماعی همچون فیسبوک و دیگر موارد مشابه به شکل فزاینده‌ای در گسترش اسلام‌هراسی نقش دارند و عبارات مختلفی که مسلمانان را به شکل بدی معرفی می‌کند به کرات در فضای این برنامه‌ها دیده می‌شود. چنانچه ملاحظه می‌شود هیچ‌کدام از تحقیقات

طریق یک فرآیند نژادی مورد بررسی قرار می‌گیرند که با ویژگی‌های فیزیکی و زیربناهای نژادی مشخص می‌شود. از طریق این نژادسازی، نژادپرستی ظاهر می‌شود تا مسلمانان را به‌عنوان «تهدید» اهریمنی جلوه دهد که باید از طریق توهین‌های نژادی، اجبار و خشونت با آنها برخورد کرد.

گزارشی که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، اسلام‌هراسی را ترس و یا نفرت بی‌اساس از اسلام، مسلمانان یا فرهنگ اسلامی تعریف کرد. این تعریف هشت مؤلفه را به‌عنوان ویژگی اسلام‌هراسی معرفی می‌کند:

- اسلام به‌عنوان یک بلوک یکپارچه، ایستا و بدون واکنش به تغییرات تلقی می‌شود؛

- اسلام، مستقل و جدا به حساب می‌آید. ارزش‌های مشترکی با فرهنگ‌های دیگر ندارد؛ تحت تأثیر آنها قرار نمی‌گیرد و بر آنها تأثیر نمی‌گذارد؛

- اسلام نسبت به غرب پایین‌تر تلقی می‌شود و غیرمنطقی است.

- اسلام را خشن، تهاجمی، تهدید کننده، حامی تروریسم می‌دانند (تأکید اصلی).

- اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی تلقی می‌شود؛

- انتقاد مسلمانان از غرب بی‌تردید مردود است؛

- خصومت با اسلام برای توجیه اعمال تبعیض‌آمیز نسبت به مسلمانان و طرد مسلمانان از جریان اصلی جامعه استفاده می‌شود؛

- خصومت ضد مسلمانان طبیعی یا عادی تلقی می‌شود.

در این گزارش سه مؤلفه مختلف از اسلام‌هراسی وجود دارد: اولین مورد این است که اسلام‌هراسی یک ایدئولوژی است، ایدئولوژی‌ای که معنایی را درباره اسلام و مسلمانان در محیط معاصر ارائه می‌دهد. دومین مؤلفه اسلام‌هراسی «شیوه‌های عمل» است که از طریق آن، اسلام‌هراسی پایدار شده و تداوم می‌یابد. مؤلفه نهایی، اقدامات طردکننده است: اعمالی که در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی علیه اسلام و مسلمانان موجب ایجاد ضرر و تبعیض می‌شود (Allen, 2010: 110).

برخی این تصور را که اسلام‌هراسی نوعی نژادپرستی است، رد می‌کند، زیرا «عاری از هرگونه جبر زیستی یا فرهنگی»

بررسی بیشتر، به‌ویژه در پرتو حوادث مربوط به نژاد و نژادپرستی، بررسی شدند. کلیه مقالات خبری بررسی شده در پژوهش از منابع معتبر و از نظر تیراژ آنلاین از بزرگ‌ترین رسانه‌ها محسوب می‌شوند. در طول تحقیقات، نویسندگان از تحلیل محتوا استفاده می‌کنند؛ ابزاری تحقیقی که برای تعیین وجود کلمات یا مفاهیم خاص و معین در متون یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. تحلیل محتوای این مقاله منابع زیادی از شواهد را از طریق تطبیق الگو که یک تکنیک روش‌شناختی است که پیوندها و روابط بالقوه‌ای را بین قطعات اطلاعات (مرتبط با نژاد) ایجاد می‌کند را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲- تعامل دو مفهوم نژادپرستی و اسلام‌هراسی

مجموعه‌ای از اصطلاحات و عبارات وجود دارد که به خصومت با مسلمانان در آمریکا اشاره دارند که شناخته شده ترین آن‌ها، اصطلاح اسلام‌هراسی است. اصطلاح اسلام‌هراسی در زبان انگلیسی اولین بار در یک مقاله دیده شد (Said, 1985: 5). او هویت لکه‌دار شده مسلمانان را در کار خود که شرق‌شناسی بود، مورد توجه قرار داد. نویسنده مذکور اشاره می‌کند که این مباحث مسلمانان را به‌طور سیستماتیک متفاوت از غربی‌های «معقول، توسعه‌یافته، انسانی و برتر» نشان می‌دهند، در حالی که مسلمانان و افراد مشرق زمین به‌عنوان «ناهنجار، توسعه نیافته، فرودست» در نظر گرفته می‌شوند (Said, 1985: 300).

این ساختارهای شرق‌شناسی و اسلام‌هراسی ابزارهای کلیدی نژادپرستی معاصر در ایالات متحده هستند. علیرغم ناهمگونی جمعیت مسلمان آمریکا، مسلمانان در ایالات متحده نژادسازی شده‌اند، به این معنی که بر اساس ویژگی‌های نژادی، آن‌ها را به‌عنوان یک تهدید بالقوه برای سایرین معرفی می‌کنند. از این منظر، نژادسازی فرآیندی است که در آن مسلمانان آمریکایی از طریق تمایز نژادی، مانند ژنتیک یا رنگ پوست و همچنین از طریق ویژگی‌های فرهنگی درک شده مانند نمادهای مذهبی، مانند ریش یا پوشش سر، شناسایی و برچسب‌گذاری می‌شوند. درحالی‌که مسلمانان یک نژاد نیستند و دین اسلام یک دین الهی است. در آمریکا مسلمانان از

می‌آیند، مورد قضاوت قرار گرفتند. محققان ممکن است به نژادها اشاره کنند، اما آنها را به واقعیت‌های بیولوژیکی منسجم تبدیل نمی‌کند. تقریباً ۱٫۸ میلیارد مسلمان در سراسر جهان ژن قبیله‌گرایی یا خشونت را ندارند. اگرچه نژاد و نژادپرستی شبیه به هم به نظر می‌رسند، اما می‌توان آنها را با تعدادی از عوامل متمایز کرد.

نژاد روشی برای طبقه‌بندی انسان‌ها بر اساس سطح ادراک روابط زیستی، فرهنگی و اجتماعی است. از سوی دیگر، نژادپرستی راهی برای رفتار با دیگران بر اساس «نژاد» آنها است. نژادپرستی به‌عنوان «تعامل هماهنگ انواع خاصی از کلیشه‌ها، تعصبات و تبعیض» تعریف شده است. نژادپرستی تبعیض افراد و نهادها را به شیوه‌هایی که توسط باورها، نگرش‌ها و پیامدهای منفی توجیه می‌شوند و تمایل به تداوم دارند، منعکس می‌کند. فرار از اتهامات نژادپرستی یک تاکتیک رایج در میان برخی از منتقدان اسلام است (Jones, 1997: 89).

اسلام‌هراسی به‌عنوان نوعی نژادپرستی توصیف شده است که مسلمانان در آمریکا را به این دلیل که فرهنگ اسلامی آنها برای آمریکایی‌ها ناپسند است، و اینکه فرهنگ اسلامی آنها در تضاد با فرهنگ آمریکایی است، سرکوب می‌کند. این نوع نژادپرستی نشان دهنده عدم تحمل نسبت به تنوع فرهنگی و قومی و نه تنها مسلمانان است (Welty, 1989: 20). نژادپرستی، در این زمینه شامل تعصب یا تبعیض علیه افراد به دلیل ترجیحات فرهنگی درک شده آنها است. این نوع «نژادپرستی ناخودآگاه» یا «نژادپرستی بدون نژاد» فاقد سیستم رسمی تفکیک و سایر اشکال نژادپرستی آشکار است، اما سیستمی از نابرابری، بی‌عدالتی و تمایز نژادی را مطرح می‌کند.

دولت-ملت‌ها همچنین قادرند طبقه‌بندی‌های نژادی را نه به‌عنوان واحدهای زیست‌شناسی، بلکه به‌عنوان راه‌هایی برای تنظیم ملت و تعیین مرزهای هویت ملی بسازند. این نوع مفهوم‌سازی، برای تنظیم مقوله‌های اجتماعی استفاده می‌شود (Goldberg, 2002: 110). نویسنده دیگری از اسلام‌هراسی به‌عنوان شکلی از حکومت نژادی یاد می‌کند که منجر به یک

گفتمان‌های نژادپرستانه است (Bleich, 2011: 7). سایر منتقدان معتقدند که اصطلاح اسلام‌هراسی یک بازی سیاسی است که برای ساکت کردن منتقدان «برتری اسلامی» طراحی شده است (Berlinski, 2010: 3).

این تصور که اسلام‌هراسی با نژاد تلاقی می‌کند، ریشه در این ایده دارد که نژاد یک ساختار اجتماعی است تا یک واقعیت یا واقعیت بیولوژیکی. نژاد، یک مفهوم برجسته اجتماعی-تاریخی، با روابط اجتماعی خاص و زمینه تاریخی که در آن تعبیه شده است (Omi & Winant, 1994: 49). از نظر داده‌های علمی، کارشناسان به این نتیجه می‌رسند که هیچ ژن یا گروه مشترکی برای «نژادهای» مختلف مانند آسیایی، سیاه‌پوست یا سفید وجود ندارد. تحلیل‌های اخیر ژنوم انسان نشان می‌دهد که تکامل انسان اخیر منطقه‌ای بوده است، به این معنی که نژادها یا هویت‌های نژادی سیال هستند. به این ترتیب، مفهوم قرن هفدهم برای تعریف نژاد دیگر توسط اکثر جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و زیست‌شناسان پذیرفته نمی‌شود.

طرف دیگر بحث هیچ اشکالی در تعریف، طبقه‌بندی و نام‌گذاری جمعیت‌های مختلف انسانی جهان نمی‌بیند. به‌عنوان مثال، برخی از انسان‌شناسان از ایده واقعیت بیولوژیکی اولیه نژادهای انسانی حمایت می‌کنند (Gill, 2000: 3). آن نژادپرستی که توسط تفاوت‌های ژنومی اجدادی تعریف می‌شود، ریشه در ذات‌گرایی بیولوژیکی و این ایده دارد که تفاوت‌های غیرقابل انکاری بین نژادهای جهان وجود دارد. در بافت تاریخی ایالات متحده، جوامع اقلیت‌های نژادی و مذهبی از طریق طبقه‌بندی‌های نژادی به‌عنوان مردان و زنان «رنگین پوست» مورد هدف قرار گرفته و مورد استثمار قرار گرفته‌اند. این شکل از تبعیض در تعصب مستقیم و شخصی سفیدپوستان آمریکایی علیه نژاد مختلف آشکار است (Welty, 1989: 19). این «نژادها» افراد رنگین‌پوستی هستند که به معنای واقعی کلمه از قبل مورد قضاوت قرار گرفتند - یعنی قبل از اینکه شواهد مربوطه در مورد توانایی‌ها و علایق آنها در دسترس کسانی باشد که برای قضاوت آنها

مورد بررسی قرار گرفتند، از هر ۱۰ نفر تنها یک نفر گفت که تا به حال از یک مسجد دیدن کرده است و ۴۴ درصد گفته‌اند که نمی‌خواهند بیشتر درباره اسلام بیاموزند. علاوه بر دیدگاه‌های نامطلوب خود نسبت به اسلام، درصد زیادی (۴۲٪) از آمریکایی‌ها معتقدند که سازمان‌های مجری قانون در استفاده از تاکتیک‌های پروفایل نژادی علیه مسلمانان و اعراب حق دارند (Siddiqui, 2014: 7). این روندها ناگزیر به گفتمان و احساسات اسلام‌هراسی کمک می‌کند.

بر اساس یک نظرسنجی انجام شده، آمریکایی‌ها بین مسلمانان و اسلام تفاوت قائل می‌شوند و نسبت به مسلمانان، اسلام را بدتر می‌بینند. این موضوع ممکن است دلایل زیادی داشته باشد، اما در اصل، برای آمریکایی‌ها احتمالاً راحت‌تر است که نسبت به اسلام ابراز بی‌زاری کنند تا اینکه نسبت به مردم مسلمانان تعصب داشته باشند (Telhami, 2015: 4-6). علیرغم ادعاهایی مبنی بر ورود ایالات متحده به «دوران پس‌نژادی»، طبقه‌بندی‌های نژادی، که یک رویه تبعیض‌آمیز است، هر روز در شهرها و شهرستان‌های سراسر کشور اتفاق می‌افتد.

هنگامی که تعداد قابل توجهی از آمریکایی‌ها دیدگاه‌های نامطلوبی نسبت به اسلام و مسلمانان دارند، عجیب نیست که درصدی از آنها در حملات جنایت نفرت انگیز شرکت می‌کنند. از ۱۱ سپتامبر، مسلمانان آمریکایی و کسانی که در ایالات متحده زندگی می‌کنند و تصور می‌شود مسلمان هستند، با افزایش جنایات نفرت‌انگیزه نژادی و مذهبی مواجه شده‌اند. گزارش ماه مه ۲۰۲۱ توسط شورای روابط آمریکایی-اسلامی (CAIR) نشان داد که جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان در ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ به طرز چشمگیری افزایش یافته است (Pitter 2017: 21).

یافته‌های کلیدی در این گزارش نشان می‌دهد که چگونه تعصب اسلام‌هراسی روند افزایش خشونت را ادامه‌دار کرده است. شورای روابط آمریکایی-اسلامی در سال ۲۰۲۱، افزایش ۵۷ درصدی در موارد تعصبات ضد مسلمانان را نسبت به سال ۲۰۲۰ ثبت کرد که با افزایش ۴۴ درصدی در جرایم ناشی از نفرت ضد مسلمانان در همان دوره همراه بود. طبق

سری مداخلات و طبقه‌بندی‌های نهادی می‌شود که بر رفاه جمعیت‌هایی که به‌عنوان مسلمان تعیین شده‌اند، تأثیر می‌گذارد. در این زمینه، اسلام‌هراسی نژادپرستی نهادی را حفظ می‌کند و در عین حال، نمایش‌های فردی تعصب را که به نژادپرستی مبتنی بر تفاوت‌های بیولوژیکی ابتذال می‌بخشد، پنهان می‌کند، اما از بین نمی‌برد (Said, 1985: 88). مبنای نظری این مقاله این است که تبعیض و جنایات نفرت علیه مسلمانان در آمریکا با درک نژادپرستانه از هویت مسلمان آمیخته شده است که جلوه‌های دولت نژاد پرست ایالات متحده و حکومت نژادی‌شده را روشن می‌کند. در این پرتو، نژاد به‌عنوان شکل نمادین اسلام‌هراسی ظاهر شده است (Allen, 2010: 68).

۳- اسلام‌هراسی از منظر آماری

مروری بر نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که اکثریت غیرمسلمانان در ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای نسبت به مسلمانان خصومت دارند. جدیدترین گردآوری داده‌های مربوط به جنایات نفرت و اسلام‌هراسی توسط شورای روابط آمریکایی-اسلامی (CAIR) (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱، تعصبات ضد مسلمانان ۶۵ درصد افزایش یافته است. تنها در سال ۲۰۲۰، اسلام‌هراسی ۵۷ درصد افزایش یافته است (شورای روابط آمریکایی-اسلامی، ۲۰۲۱). یافته‌های CAIR مشابه داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط مرکز مطالعه نفرت و افراط‌گرایی (CSHE) در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا سن برناردینو بود که در ۲۰ ایالت و مجموعاً ۱۹۶ مورد را در سال ۲۰۱۵ ثبت کرد (Levin, 2016: 4). در سال ۲۰۲۱، نگرش نامطلوب نسبت به مسلمانان آمریکایی به ۶۷ درصد افزایش یافت (Arab American Institute, 2021: 6).

نظرسنجی در مورد دیدگاه آمریکایی‌ها نسبت به مسلمانان نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی دیدگاه «تا حدودی یا بسیار نامطلوب» نسبت به اسلام داشتند، درحالی‌که از هر چهار نفر یک نفر گفتند مطمئن نیستند که چگونه به این دین نگاه می‌کنند (Kaleem, 2015: 9). از آمریکایی‌هایی که در نظرسنجی

یک سارق به یک کارمند فروشگاه هندی شلیک کرد. این منشی که یک غیر مسلمان اهل پنجاب در هند بود، پس از آنکه ضارب او را «تروریست» خواند، هدف گلوله قرار گرفت. در واقع، عباراتی مانند «تروریست»، «جهاد» و «شریعت» عناصری از فرهنگ پرکاربرد اسلام‌هراسی هستند. این مؤلفه‌های تعصب ساختاری نفرت از مسلمانان را تشکیل می‌دهند که مسلمانان را به‌عنوان «دیگری» نشان می‌دهد. در حادثه دیگری در سپتامبر ۲۰۱۳، یک پزشک بسیار ماهر سیک هنگام قدم زدن در نزدیکی پارک مرکزی شهر نیویورک مورد حمله قرار گرفت. این جنایات نفرت‌انگیز علیه سیک‌ها نشان می‌دهد که واقعاً لازم نیست که فردی به معنای الهیاتی یا فرهنگی مسلمان باشد تا مورد حمله اسلام‌هراسی قرار گیرد؛ بلکه مهم این است که فرد چگونه فرهنگ خود را بیان می‌کند، چگونه به نظر می‌رسد و آیا این «نگاه‌ها» به شکلی منفی با اسلام و مسلمانان آمیخته می‌شود؟ داده‌های ارائه شده در مورد جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان در آمریکا نشان می‌دهد که چگونه حوادث اسلام‌هراسی ناشی از این ایده است که «هویت مسلمان» دارای پایه‌های نژادی است و می‌توان این عمل بر ضد مسلمانان را تبعیض نژادی نیز خواند (Samari, 2016: 921).

۴- جرایم مبتنی بر نفرت

جنایت ناشی از نفرت به‌عنوان جرمی با اطلاع کامل یا جزئی از وضعیت گروهی واقعی مانند نژاد و قومیت، مذهب، ناتوانی، گرایش جنسی، جنسیت و هویت جنسی درک و فهمیده می‌شود (Levin, 2016: 67). بر اساس این تعریف، جنایت نفرت ضد مسلمانان نوعی از جرایم نفرت مذهبی را تشکیل می‌دهد، اگرچه این جرایم ناشی از نفرت را می‌توان به‌عنوان «جنایت نفرت نژادی» یا با نفرتی که انگیزه‌های سیاسی دارد نیز درک کرد. البته مشکل اصلی این است که چنین تمایزاتی اغلب در دنیای واقعی از بین می‌رود. در واقعیت، تمایز بین «جرم ناشی از نفرت مذهبی» و «جرم ناشی از نفرت نژادی» مبهم است و وضوح مفهومی و گزارش‌دهی را دشوار کند (Copsey et al., 2013: 6). آنچه مشخص است این است که لفاظی‌های نفرت‌آفرین نسبت به مسلمانان در آمریکا پیامدهایی دارد.

آمار FBI، تعداد جرایم ناشی از نفرت علیه مسلمانان تا سال ۲۰۲۱ تقریباً پنج برابر نرخ قبل از ۱۱ سپتامبر شده است. تعداد جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان در ایالات متحده احتمالاً بیشتر از اعداد مستند شده در گزارش CAIR در سال ۲۰۲۱ است. این سازمان نوشت که مسلمانان آمریکایی اغلب حوادثی مانند آزار و اذیت و قلدری را گزارش نمی‌کنند، زیرا سطح خاصی از حساسیت‌زدایی وجود دارد. CAIR اضافه کرد که برخی از مسلمانان آمریکایی اغلب احساس می‌کنند که «هیچ کاری نمی‌توان کرد» زمانی که به خاطر ایمانشان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و احساس می‌کنند که چنین حوادثی «عادی شده‌اند».

مورد کامرون محمد به این دلیل قابل توجه است که یکی از واضح‌ترین نمونه‌هایی است که چگونه نژادی کردن اسلام منجر به جنایات ناشی از نفرت اسلام‌هراسی می‌شود (Goeman, 2013: 4). محمد، ساکن فلوریدا، در سال ۲۰۱۳ با یک تفنگ گلوله‌ای مورد اصابت گلوله‌هایی با تعداد بالا قرار گرفت. ضارب صریحاً از محمد پرسید که آیا او در واقع مسلمان است یا اهل خاورمیانه است. وقتی او پاسخ منفی داد، حمله متوقف نشد. اظهارات ضارب به پلیس پس از این حادثه انگیزه واقعی او را آشکار می‌کند. وقتی به ضارب گفتند که قربانی او مسلمان نیست، او به آنها گفت که اهمیتی نمی‌دهد، چون همه آنها مثل هم هستند. در این مورد، مردم به ظاهر مسلمان به صورت یکپارچه و مثل هم نقاشی می‌شوند. ظاهر فیزیکی محمد، به‌ویژه رنگ پوست او، با هویت اجتماعی مسلمان مرتبط بود. این روند حکومت‌های نژادپرستانه به‌طور منظم مسلمانان را در فرودگاه‌های ایالات متحده هدف قرار می‌دهد و باعث شده است که با بسیاری از مردان و زنان مسلمان با سوءظن برخورد کنند.

به نظر می‌رسد کسانی که به سیک‌ها حمله می‌کنند چندان به تفاوت‌های میان سیک‌یسم و اسلام که دو دین متفاوت هستند اهمیت نمی‌دهند. در سپتامبر ۲۰۰۱، یک شهروند سیک توسط شهروند آمریکایی که به مجریان قانون گفت می‌خواهد در انتقام حملات ۱۱ سپتامبر یک مسلمان را بکشد، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. در دسامبر ۲۰۱۵،

ویژگی‌های قومی افراد مرتبط با آن انجام می‌گیرد ممنوع است. این قانون همچنین مانع‌تراشی عمدی با زور یا تهدید به زور هر شخص در بهره‌مندی از اعمال آزادانه عقاید مذهبی آن شخص را جرم‌انگاری می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های ارائه شده نشان می‌دهد که نژاد شکل نمادین اسلام‌هراسی است. اسلام‌هراسی در حوزه نقد «عقلانی» از اسلام یا مسلمانان نیست. این اغلب تبعیض علیه افرادی است که از نظر اکثریت شهروندان ایالات متحده متفاوت به نظر می‌رسند. ایشان مسلمانان را «دیگری» می‌انگارند. تلقی از مسلمانان جنایات ناشی از نفرت علیه مسلمانان آمریکایی و کسانی که مسلمان پنداشته می‌شوند شرایطی را برای شهروندی درجه دوم ایجاد کرده است که در آن مسلمانان و گروه‌های مرتبط با اسلام امنیت خود را خدشه‌دار می‌بینند. با این حال قوانین عامی وجود دارد که از جمله از مسلمانان از این برداشت نادرست حمایت می‌نماید.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: این پژوهش، توسط نویسنده نخست نگارش یافته و توسط سایر نویسندگان نظارت شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رسانده‌اند سپاس‌مندیم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آقابابایی، حسین (۱۳۹۰). «نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی». *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۱): ۱۸۳-۲۰۶.

در نظام کیفری این کشور قوانین زیادی در رابطه با جرم مبتنی بر نفرت وجود دارد اما قوانینی که جرم مبتنی بر نفرت دینی را مورد جرم‌انگاری قرار داده باشد، محدودتر است که به‌طور خلاصه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۴-۱- قانون کنترل جرایم خشونت‌آمیز (۱۹۹۴)

این قانون که تحت ماده § ۲۸.U.S.C در سال ۱۹۹۴ تصویب شده است، کمیسیون صدور احکام مجازات آمریکا را ملزم به افزایش جریمه‌های مرتبط با آن دسته از جرایم ناشی از نفرت می‌کند که برپایه رنگ، نژاد، مذهب، ملیت، قومیت یا جنسیت هر فردی، انجام شده باشند.

۴-۲- قانون داده‌های آماری جرایم ناشی از نفرت (۱۹۹۰)

ذیل ماده § ۵۳۴، ۲۸U.S.C، دادستان کل ملزم به جمع‌آوری داده در رابطه با جرایمی می‌شود که به خاطر قومیت، گرایش‌ات جنسی، معلولیت، مذهب یا نژاد قربانی انجام شده‌اند.

۴-۳- قانون حق دانستن جرایم ناشی از نفرت در دانشگاه‌ها (۱۹۹۷)

ماده § ۱۰۹۲، ۲۰ U.S.C، پرسنل حراست دانشگاه‌ها را ملزم به جمع‌آوری و گزارش دادن داده‌ها در خصوص جرایم ناشی از نفرتی می‌نماید که برپایه نژاد، جنسیت، مذهب، گرایش‌ات جنسی، قومیت یا معلولیت انجام شده‌اند.

۴-۴- قانون مداخله کیفری در حق مسکن عادلانه (۱۹۸۸ اصلاحی ۱۹۹۶)

بر اساس ماده § 3631۴۲ U.S.C در مواقعی که حق داشتن مسکن به دلایلی همچون نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت، ناتوانی، وضعیت خانوادگی یا منشأ ملی قربانی، دچار خدشه می‌شود در حقوق مسکن دخالت می‌کند.

۴-۵- قانون آسیب به اموال مذهبی، قانون پیشگیری از آتش‌سوزی کلیسا (اصلاحی ۲۰۱۸)

ماده § 247۱۸ U.S.C قانون به این موضوع اشاره دارد که تخریب عمدی، آسیب یا تخریب اموال غیرمنقول مذهبی به دلیل ماهیت مذهبی اموال، در مواردی که جرم بر تجارت بین ایالتی یا خارجی تأثیر می‌گذارد، یا به دلیل نژاد، رنگ، یا

Report). Washington: Council on American-Islamic Relations.

- Gill, G (2000). "Does Race Exist?". Public Broadcasting Service.

- Goeman, S (2013). "Islamophobia Is a Racism". *The Huffington Post*. Available online: <https://www.unisa.edu.au/siteassets/epi/server-6/files/documents/eass/mnm/commentaries/sayyid-racism-islamophobia.pdf>

- Goldberg, D (2002). *The Racial State*. Oxford: Blackwell Publishers.

- Jones, J (1997). *Prejudice and Racism*. New York: McGraw-Hill.

- Kaleem, J (2015). "More Than Half of Americans Have Unfavorable View of Islam". *The Huffington*.

- Levin, B (2016). *Special Status Report: Hate Crime in the United States (20 State Compilation of Official Data)*. San Bernardino: Center for the Study of Hate & Extremism at the California State University.

- Omi, M & Winant, H (1994). *Racial Formation in the United States: From the 1960s to the 1990s*. 3rd ed., New York: Routledge.

- Patton, M (2002). *Qualitative Research and Evaluation Methods*. Thousands Oaks: Sage.

- Pitter, L (2017). "Hate Crimes Against Muslims in US Continue to Rise in 2016". Human Rights Watch, Available online: <https://www.hrw.org/news/2017/05/11/hate-crimes-against-muslims-us-continue-rise-2016>.

- Richardson, R (2016). "Islamophobia or anti-Muslim racism—or what?—Concepts and terms revisited". Available online: <http://www.insted.co.uk/anti-muslim-racism.pdf>.

- Rifai, R (2016). "Report: Islamophobia is a multimillion-dollar industry". *Al Jazeera*. Available

- دارابی، بهنام (۱۳۹۵). «جرائم ناشی از نفرت مذهبی». *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، ۴۶: ۵۶-۶۷.

- رضازاده، هادی (۱۳۹۵). «حملات تروریستی و اسلام‌هراسی در فضای مجازی». *ره‌آورد نور*، ۵۴: ۲۷-۳۵.

- شفیق، مهدی (۱۳۹۷). «اسلام‌هراسی و تبلیغات فرهنگی غرب در رسانه‌ها». *معارف اسلامی و تبلیغ و ارتباطات*، ۶(۱): ۱۵۶-۶.

ب. منابع انگلیسی

- Ali, W (2011). "Exposing the Islamophobia Network in America". *The Huffington Post*. August 29. Available online: <https://www.americanprogress.org/article/fear-inc/>

- Allen, Ch (2010). *Islamophobia*. Farnham: Ashgate.

- Awan, I (2016). *Islamophobia in Cyberspace*. New York: Routledge.

- Berlinski, C (2010). "Moderate Muslim Watch: How the Term "Islamophobia" Got Shoved Down Your Throat". Available online: [Moderate Muslim Watch: How the Term "Islamophobia" Got Shoved Down Your Throat | Ricochet](#).

- Beydoun, Kh (2019). *American Islamophobia Understanding the Roots and Rise of Fear*. California: University of California Press

- Bleich, B (2011). "What Is Islamophobia and How Much Is There? Theorizing and Measuring an Emerging". *American Behavioral Scientist*, 55(12), 1581-1600.

- Copsey, N, et al (2013). *Anti-Muslim Hate Crime and the Far Right*. UK: Teeside University.

- Council on American-Islamic Relations (CAIR) (2016). *Confront Fear: Islamophobia and its Impact in the United States*(2016

online:www.aljazeera.com/indepth/features/2016/06/report-islamophobia-multi-million-dollar-industry-160623144006495.html.

- Said, E (1985). "Orientalism Reconsidered". *Race and Class*, 27: 1–15.
- Saldana, J (2009). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. New Delhi, and Singapore: Sage Publications
- Samari, G (2016). "Islamophobia and public health in the United States". *American Journal of Public Health*, 106: 1920-1925.
- Savelkoul, M & et al (2012). "Comparing Levels of Anti-Muslim". *Quality & Quantity*, 46: 1617–1624.
- Siddiqui, S (2014). "Americans' Attitudes toward Muslims and Arabs Are Getting Worse". *The Huffington Post*, Available online: http://www.huffingtonpost.com/2014/07/29/arab-muslim-poll_n_5628919.html.
- Telhami, Sh (2015). *What Americans really think about Muslims and Islam*. Washington: The Brookings Institution.
- Welty, G (1998). *Affirming Affirmative Action: Rejecting the New Racism*. Dayton: Wright State University.
- Yin, R (1994). *Case Study Research: Design and methods*. 2nd ed., Beverly Hills: Sage Publishing.